نامهٔ عامّ یَعْقُوبِ حواری

مشتمل

بر پنج باب

(بابِ اوّل مشتمل بر بیست و هفت آیه)

(۱) از یَعْقُوبِ بندهٔ خدا و عیسیٰ مسیحِ خداوند بدوازده فرقه که پراکنده
اند سلام باد * (۲) ای برادران چون در امتحانهای گوناگون مبتلا شوید کمالِ
سعادتِ خود دانید (۳) که میدانید که تجربهٔ ایمانی صبررا در شما بدید
می‌آرد (۴) امّا باید که صبر عمل‌را کامل کند تا آنکه تام و تمام باشید و در
هیچ چیز ناقص نباشید * (۵) و اگر کسی از شما ناقص العقل باشد از خدای
سؤال نماید که بسخاوت بهمه میدهد و سرزنش نمیدهد که بوی داده
خواهد شد (٦) لیکن باید که بایمان سؤال نماید و شك نداشته باشد زانرو
که مُشَکِّك چون موجِ دریا است که از باد می‌غلطد و بهم می‌خورد (۷) و
این شخص ظنّ نَبَرَد که از خداوند چیزی خواهد یافت (۸) و شخصِ دو دل
در تمامیِ رفتارِ خود متزلزل است * (۹) پس برادرِ ذلیل از عزّتِ خود فخر
نماید (۱۰) و دولتمند از ذلّتِ خود زانرو که چون گُلِ علف در گذار است
(۱۱) زانرو که چون آفتاب بحرارت طلوع نماید و علف‌را خشك نماید گلش
می‌افتد و حُسنِ صورتِ او زائل می‌شود بهمین وضع دولتمند نیز در اطوارِ
خود پژمرده خواهد گشت * (۱۲) و خوشحالِ آن شخص که امتحان‌را مُتحمّل
است زانرو که بعد از آزمایش خواهد یافت آن تاجِ حیاتی‌را که خداوند
بمُحِبّانِ خودرا وعده فرموده است (۱۳) و کسی در امتحان مطلقا نگوید که
خداست که مرا امتحان می‌نماید زیرا که نه خدا از بدیها امتحان می‌شود

و نه کس‌را امتحان مي‌نماید (۱۴) و هر کس که در امتحان است از خواهشِ خود کَشیده شده و گول خورده است (۱۵) و بعد خواهش آبستن شده میزاید گناه‌را و گناه بکمال رسیده مرگ‌را بدید مي‌آرد * (۱۶) اي برادرانِ محبوبِ من فریفته مَشوید (۱۷) که هر انعامِ نیکو و هر احسانِ کامل از بالا است و نازل میشود از ابوالانوار که نزدِ او زوال و ظلِّ انعکاس هم نیست (۱۸) و اراده فرموده بکلامِ حقّ مارا تولید نمود تا آنکه از مخلوقاتِ وَيْ چون نوبر باشیم * (۱۹) پس اي برادرانِ محبوبِ من هر کس در شنیدن تُند و در گفتن کُند و در خشم سُست باشد (۲۰) از آنجا که خشمِ خلق عدالتِ خدارا بجا نمي آرد (۲۱) پس هر قِسمِ کثافت و فضلاتِ بدرا کَنده بفروتني کلامِ کاشته‌را بپذیرید که جانهاي شمارا تواند رهانید * (۲۲) و بکلامِ عمل‌کننده باشید نه اینکه خودرا گول زده همین بشنوید وبس (۲۳) که اگر کسي شنوندهٔ کلام باشد و عمل ننماید شخصي‌را ماند که صورتِ ظاهريءِ خودرا در آئینه مي‌نگرد (۲۴) از آنجا که خودرا نگریست و رفت و في‌الفور فراموش نمود که چه قِسمِ شخصي بود (۲۵) لیکن آن کس که در شریعتِ کاملِ آزادي غَور نماید و قرار گیرد از آنجا که شنوندهٔ فراموش‌کننده نیست بلکه بجا آرندهٔ عمل است در اَطوارِ خود خوشوقت خواهد بود * (۲۶) و اگر شخصي در میانِ شما اندیشهٔ دین‌داري کند و جِلَوِ زبانِ خودرا نگیرد بلکه دلِ خودرا فریبد دین‌داريءِ آن شخص عبث است (۲۷) دینِ پاکِ بی‌غش نـزدِ خدا و پدر اینست یتیمان و زنانِ بیوه‌را در هنگامِ تنگ‌دستي تفحّص نمودن و خودرا از [آلایشِ] دُنیوي پاک‌نگه داشتن *

(بابِ دویم مشتمل بر بیست و شش آیه)

(۱) اي برادرانِ من با ظاهربیني جمع ننمائید ایمانِ خداوندِ ما عیسيِءِ مسیح [خدیوِ] جلال‌را (۲) چه اگر مردي با انگشترینِ طلا و کِسْوَتِ فاخر بمجلسِ شما در آید و آید مُفلسي نیز با لباسِ مندرس (۳) و بر صاحبِ

کِسْوَتِ فاخر توجّه نموده میگوئید که اینجا بفرمائید که نیکوست و مُفلس‌را
میگوئید که در آنجا به ایست یا در اینجا در تحتِ قدمگاهِ من بنشین
(۴) آیا در میانهٔ خود طرف‌گیری ننموده اید و مُمَیِّزانِ زشت‌سِیَر نیستید
(۵) بشنوید ای برادرانِ محبوبِ من آیا بر نگزیده است خدا مُفلسیانِ این
جهان‌را که در ایمان توانگر و وارثِ آن ملکوت باشند که بمُحِبّانِ خود وعده
فرموده است (۶) لیکن شما فقیران‌را تحقیر نموده اید آیا صاحبانِ مکنت
شمارا مجبور نمی‌نمایند و بمحکمها شمارا نمی‌کَشند (۷) آیا آنها نسبت با
آن نامِ کرامی که بر شما خوانده شده است کفر نمی‌گویند (۸) و بتحقیق
که اگر شما در شریعتِ ملوکانه ترقّی نمائید بر وفقِ آن نوشته که تو آشنای
خودرا چون خود دوست دار نیکو خواهید نمود (۹) امّا اگر نگاه بظاهر نمائید
گناه می‌ورزید و مثلِ تجاوز کننده‌گان بشریعت ملزم میشوید * (۱۰) زانرو
که اگرکسی تمامِ شریعت‌را نگاه دارد و یك جزورا سهل انگارد همه‌را مقصِّر
شده است (۱۱) زانرو که آن کس که فرمود که زنا مکن نیز فرمود قتل مکن
پس اگر تو زنا ننمائی لیکن قتل کنی از شریعت تجاوز نموده * (۱۲) شما
حرف زنید و عمل نمائید چون کسانی که از شریعتِ آزادی حکم خواهند
یافت (۱۳) که حکمِ بی‌رحم بکسی خواهد شد که رحم ننموده است و رحم
بر حکم برتری میکند * (۱۴) ای برادرانِ من چه مصرف دارد اگر کسی گوید
که ایمان دارد و عمل ندارد آیا ایمان اورا رستگار تواند نمود (۱۵) اگر برادر
یا خواهری بُرهنه باشد و محتاج بگذرانِ یومیه باشد (۱۶) و یکی از شما آنهارا
گوید بروید بسلامت و گرم و سیر شوید و ما یَحْتاجِ بدن‌را بآنها ندهد چه
نفع حاصل خواهد شد (۱۷) بهمان طور ایمان نیز اگر با عمل نباشد خودش
بی‌روح است (۱۸) شاید کسی گوید که تورا ایمان است و مرا عمل تو ایمانِ
خودرا بی‌عملِ خودَت بر من ظاهر ساز و من از اعمالِ خود ایمانِ خودرا
بر تو ظاهر می‌سازم (۱۹) تو اعتقاد داری که خدا یکی است و خوب میکنی

و شیاطین نیز معتقد اند و می‌لرزند (۲۰) اي مردِ پوچ آیا خواهي دانست که ایمانِ بي‌عمل مُرده است (۲۱) آیا پدرِ ما اِبْرٰاهِیْم از عمل عادل شمرده نشد هنگامي که پسرِ خود اِسْحٰقْ‌را بر قربانگاه گذرانید (۲۲) پس ملاحظه نما که ایمان با عملَش مؤثّر بود و از عمل ایمانَش کامل گشت (۲۳) و آن نوشته کامل گشت که میگوید اِبْرٰاهِیْم بر خدا ایمان آورد و به عدالت به او منسوب شد و خلیل اَللّٰه خوانده شد (۲۴) پس ملاحظه نمائید که مردم از اعمال عادل شمرده میشوند نه از ایمان بتنهائي (۲۵) و بهمان قِسم آیا رٰاحٰابِ فاحشه نیز از عمل عادل شمرده نشد چون فرستاده‌گان‌را باندرون بُرد و از راهِ دیگر بیرون نمود (۲۶) که آنچنان که جسمِ بي‌جان مُرده است بهمان وتیره ایمانِ بي‌عمل مُرده است *

(بابِ سیوم مشتمل بر هجده آیه)

(۱) اي برادرانِ من بسیار مُفتي مباشید که خود میدانید که عقوبتِ اشدّ بر ما واقع مي‌شود (۲) از آنجا که در اکثرِ اُمور همه‌گی سهو مي‌نمائیم و اگر کسي در کلام سهو نه نماید همان مردِ کامل است و مي‌تواند که تمامِ بدن‌را جِلَوگیري نماید (۳) چنانچه جِلَوهارا در دهانِ اسپان میگذاریم تا مارا اطاعت نمایند و تمامیِٔ بدنِ آنهارا مي‌گردانیم (۴) و نیز کشتیها هر قدر بزرگ باشند و بادهاي شدید آنهارا برانند با سُکّانِ کوچک هر جا که میلِ ناخدا باشد مي‌روند (۵) بهمان وضع زبان عضوي کوچک است و سخنانِ عظیم بسیار میگوید چنانچه اخگرِ آتشي چه مقدار اجناس‌را که میسوزاند (۶) زبان آتش و عالَمِ ناراستي است در میانِ اعضا و چنان است زبان که تمامیِٔ بدن‌را آلوده و گیتي‌را افروخته سازد و افروخته‌گیِٔ خودش از جهنّم میباشد (۷) هر نوع وحوش از طُیور و حشرات و حیواناتِ بحري از طبائعِ انسان رام شده اند و مي‌شوند (۸) لیکن زبان‌را هیچ کس از خلائق رام نمی‌تواند کرد و سرکَشي است شریر و مملوّ از زهرِ قاتل است (۹) بهمان ما خدا

و پدررا ستایش مي‌نمائیم و بهمان لعن مي‌نمائیم مردم‌را که شبیهِ خدا
میباشند (۱۰) پس از یك دهن دعا و نفرین بیرون مي‌آید اي برادرانِ من
نباید که چنین شود (۱۱) آیا از یك شکاف چشمه شیرین و تلخ بیرون
مي‌تراود (۱۲) اي برادرانِ من آیا درختِ انجیر برِ زیتون مي‌تواند آورد یا
تاك انجیررا همچنین هیچ چشمه آبِ شور و شیرین‌را نمي‌تواند آورد *
(۱۳) اگر کسی در میانِ شماست که صاحبِ عقل و تمییز باشد ظاهر سازد
اعمال گذرانِ نیكِ خودرا با افتاده‌گيِء عاقلانه (۱۴) اگر در دل دارید غیرتِ
تُندخوئي و نـزاع‌جوئي‌را فخر نه نمائید و دروغ مگوئید بر خلافِ راستي
(۱۵) از آنجا که این عقل از بالا نازل نمي‌شود بلکه زمیني و نفساني و شیطاني
است (۱۶) چه هرجا که غیرت و نـزاع میباشد فتنه و هر عملِ ناشایسته
موجود است (۱۷) امّا آن عقل که از بالا است اوّل پاك است و بعد صلح‌جو
و حلیم و افتاده و پُر از رحم و ثمراتِ نیك و بي طرف داري و بي‌ریا
(۱۸) و تخمِ صداقت در آرام پاشیده مي‌شود براي آنان که آرام‌طلب اند *

(بابِ چهارمِ مشتمل بر هفده آیه)

(۱) در میانِ شما نـزاعها و جدالها از کجا میشود آیا از اینجا نمي‌شود یعني
از خواهشهاي شما که در اعضاي شما در نـزاع اند (۲) طمع مینمائید
و مالك نمي‌شوید قتل و حسد مینمائید و بچنگ نمي‌توانید آورد
و جنگ و جدل مینمائید و بسببِ آنکه استدعا نمي کنید بچنگ
نمي‌آرید (۳) بلي سؤال مینمائید و نمي‌رسد زانرو که بعقیدهء ناخوش
سؤال مي‌نمائید تا در خواهشهاي خود بکار برید * (۴) اي زانیها و زانیه‌ها
آیا نمیدانید که دوستيِء دنیا دشمنيِء خداست پس هر کس که خواهد با
دنیا دوست باشد دشمنِ خدا گشته است (۵) آیا چنان گمان برید که
کتاب لغو مي‌گوید که روح که در ماست انجامِ طمعَش تا حسد است
(۶) لیکن توفیقَش افـزون است که میگوید خدا متکبّران‌را مخالفت مینماید

و فروتنان‌را توفیق مي‌بخشد (۷) پس خدارا اطاعت نمائید و با اِبْلِیسْ مقاومت نمائید که از شما خواهد گریخت (۸) با خدا نـزدیکي نمائید که او با شما نـزدیکي خواهد نمود دستهارا پاك سازید اي گناه‌کاران و دلهارا صاف سازید اي دو دله‌گان (۹) غُصّه خورید و ناله و گریه کنید خَنده‌ٔ شما به غصّه و راحتِ شما به رنج مبدّل شود (۱۰) پیشِ خداوند کوچکي نمائید که او شمارا بلند خواهد ساخت * (۱۱) و اي برادران با یکدیگر بد نگوئید و هرکس که بر برادر بد میگوید و بر برادر حکم مینماید بر شریعت بد میگوید و بر شریعت حکم مینماید و اگر بر شریعت حکم مینمائي بجا آرنده‌ٔ شریعت نیستي بلکه خود شارعيُ (۱۲) یك شارع است که تواند رهانید و هلاك نمود تو کیستي که بر کسِ دیگر حکم مینمائي * (۱۳) بشنوید شما که میگوئید که امروز و فردا بفلان شهر میرویم و در آنجا یك سال بسر بُرده تجارت میکنیم و منتفـع میشویم (۱۴) و حال آنکه نمیدانید که فردا چه میشود زانرو که چیست حیاتِ شما بخاري است که اندکي ظاهر است و بعد غائب میشود (۱۵) شمارا بخلافِ آن باید گفت که اگر خداوند بخواهد زنده خواهیم ماند و چنین خواهیم کرد (۱۶) لیکن حال شما از راهِ پوچي فخر مینمائید و هر آن فخري که چنین باشد بد است (۱۷) خلاصه کسی که نیکی کردن‌را داند و بجا نیآرد باو گناه است *

(بابِ پنجم مشتمل بر بیست آیه)

(۱) اي صاحبانِ دولت الحال رو آرید و گریه و ناله کنید بعلّتِ این مصیبتها که بر شما وارد میشود (۲) دولتِ شما گندیده مي‌شود و رختهاي شما به بید خورده مي‌گردد (۳) طلا و نقره‌ٔ شمارا موریانه میخورد و موریانه‌ٔ آنها شهادتي است بر شما و اجسامِ شمارا نیز چون آتش میخورد و بجهتِ روزِ بازپسینِ خود گنجینه نهاده اید (۴) اینک فریاد مي‌کند مزدِ مزدوراني

که کِشْتْهاي شمارا دِرويدند و شما از آنها باز داشتيد و فريادِ آن دِروندهگان
بگوشهاي خداوندِ صَباؤُث رسيده است (۵) تَنَعُّم و عيش و عشرت در زمين
نموده ايد و دلهاي خودرا فربه نموديد چنانکه بجهتِ روزِ ذبح است
(۶) بر عادل تحکّم نموديد و به قتل رسانيديد و او شمارا مقاومت نمي‌نمايد *
(۷) پس اي برادران صبر نمائيد تا آمدنِ خداوند اينک دهقان انتظارِ
ثمرِ گرانبهاي زمين‌را مي‌کَشد و بجهتِ آن صبر مينمايد تا هنگامي که يابد
بارانِ اوّل و آخررا (۸) شما نيز صبور بوده خاطرهاي خودرا جمع داريد که
آمدنِ خداوند نزديك است * (۹) اي برادران با يکديگر گِله ننمائيد مبادا
که بر شما تحکّم شود اينك حاکم بر دَرِ دروازه ايستاده است (۱۰) اى برادرانِ
من نمونه بگيريد در تحمّلِ بد سلوکيها و صبر آن پيغمبران‌را که باسمِ خداوند
حرف زده اند (۱۱) الحال متحمّلان‌را تهنيت ميگوئيم صبرِ اَيُّوب‌را شنيده
ايد و مقصودِ خداوندرا يافته ايد که خداوند بغايت مهربان و رحيم است *
(۱۲) و اي برادرانِ من فوقِ همه اينست که بآسمان و زمين و هر نوعِ ديگر
سوگند مخوريد بلکه بليِ شما بلي و نهٔ شما نه باشد مبادا که زير تحکّم
افتيد * (۱۳) و اگر کسي از شما ستم ديده باشد دعا نمايد و اگر کسي
خاطرجمع است زبور بسرايد (۱۴) و اگر کسي در ميانِ شما بيمار باشد
کشيشانِ کِليسيارا بخواند که بر وَيْ دعا نموده و بر وَيْ باسمِ خداوند روغن
مالند (۱۵) و دعاي ايماني رنجوررا خواهد رهانيد و اورا خداوند خواهد
برخيزانيد و اگر گناهي کرده باشد آمرزيده خواهد شد (۱۶) و نزدِ يکديگر
بخطاها اقرار نمائيد و در حقِّ يکديگر دعا نمائيد تا که رستگار باشيد که
دعاي محکمِ شخصِ عادل بسيار مؤثّر است (۱۷) اِيلياه که انسان چون ما
صاحبِ حواس بود دعا نمود که باران نبارد و سه سال و شش ماه باران
نباريد (۱۸) و باز دعا کرد و آسمان باريد و زمين بَرِ خودرا آورد * (۱۹) اي

برادران اگر کسي در میانِ شما از حقّ منحرف گردد و کسي اورا باز برگرداند
(۲۰) بداند که شخص که گناه‌کاري‌را از گمراهيِ او برگرداند نفسي‌را از قتل
رهانیده است و بسیاري از گناهان‌را پوشیده است *

تمام شد نامهٔ عامِّ یَعقُوبِ حواري

نامهٔ عامِّ اوّلِ پِطْرُسِ حواری
مشتمل
بر پنج باب

(بابِ اوّل مشتمل بر بیست و پنج آیه)

(۱) پِطْرُسِ حواريِ عیسيِ مسیح بمسافرانِ پراکنده در پُنْطُس وگَلَتِیَّه و قَپَدُقِیَه
و آسِیَّه و بِیْثُونِیَّه (۲) که برگزیده شده اند بر حَسَبِ مشیّتِ ازليِ خداي
پدر بوسیلهٔ تقدیسِ روح تا به اطاعت و خون‌پاشيِ عیسيِ مسیح که فضل
و آرام زیاد بر شما باد (۳) مبارك باد خدا و پدرِ خداوندِ ما عیسيِ مسیح
که بحَسَبِ وفورِ رحمتَش مارا باز بامیدِ زنده تولید نمود بوسیلهٔ برخاستنِ
عیسيِ مسیح از مُرده‌گان (۴) بمیراثِ بي‌فساد و نا آلوده و ناپژمردهٔ که
بجهتِ ما گذارده شده است در آسمان (۵) که بقدرتِ خدا و بوساطتِ ایمان
در امن هستیم تا رسیدنِ آن نجاتي که آشکارا میشود در ایّامِ آخر (۶) لهذا
شما خرّم میباشید باوجودِ آنکه حال مدّتِ قلیلي از راهِ ضرورت‌در امتحانهاي
گوناگون غمگین هستید (۷) تا آنکه این حجّتِ ایمانِ شما که از زرِ فاني
بسیار گرامي تر است بعد از تجربه کرده شدنَش بآتش در هنگامِ ظهورِ عیسيِ